

## رابطه‌ی دین با نظام طبیعت از دیدگاه ادیان

فاطمه رأفتی<sup>۱</sup>، خدیجه بوترابی<sup>۲</sup>، محمد رأفتی<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup>دانشجوی دکتری فلسفه، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

<sup>۲</sup>دکترای دین شناسی، پژوهشگر و استاد حوزه و دانشگاه

<sup>۳</sup>استادیار گروه مدیریت دولتی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

نویسنده مسئول: fatemehrafati@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۸/۱۳ / تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۲۰

### چکیده

امروزه مسئله‌ی نظم کیهانی یکی از مهم‌ترین موضوعات تحقیقات علمی در ادیان است و بر اصل یا اصولی دلالت دارد که عمومی‌ترین ماهیت نظم امور در جهان را نشان می‌دهد. از این رو در میان پرسش‌های انسان درباره‌ی هستی پیرامون خود، پس از سوال از چگونگی پیدایش جهان، پرسش از چگونگی برقراری و بقای کیهان، اساسی‌ترین پرسش او بوده است. یکی از عمومی‌ترین پاسخ‌هایی که به این مسأله داده شده است، وجود یک اصل نظم کیهانی در هستی است که باعث می‌شود جهان با هماهنگی و استواری به پیش رود و بقاء و دوام یابد. به نظر محققان، نظم کیهانی در چارچوبی فرهنگی، هم به عنوان قالبی برای سازمان دهی ساختارها و اجزای جهان و هم به عنوان الگویی برای سازمان دهی حیات انسانی به گونه‌ای متناسب با ماهیت حقیقی جهان عمل می‌کند. برای آن دسته از فرهنگها که چنین اعتقادی را بسط و گسترش داده‌اند، اصل قانون کیهانی به عنوان مبنایی گریزناپذیر و غیر قابل چشم‌پوشی برای نظامی جهانی، یا بقای مفهوم نظم کیهانی عمل می‌کند. در این راستا باید معنا و مفهوم نظام طبیعت در چهارچوب ادیان مختلف شناخته شود و به ابعاد مابعد الطبیعی و الهی ادیان مورد نظر آنچنان که در جهان‌بینی سنتی آنان نهفته است، پرداخته شود. با توجه به اینکه ادیان مختلف طی قرون و اعصار سرنوشت دنیا و آخرت پیروان خود را رقم زده‌اند، شناخت مفاهیم طبیعت و نظام حاکم بر آن از منظر ادیان مختلف بسیار راه‌گشا خواهد بود. در این مقاله مطالعه در باره‌ی معنای نظم در طبیعت نه بر اساس نظریات علم جدید، بلکه بر اساس سنت‌های دینی گوناگونی که جامعه بشری را شکل داده و فضایی کیهانی را به وجود آورده‌اند بررسی می‌شود. در این تحقیق سعی بر این است قلب و حقیقت مثالی هر دین و بر اساس سیر تطور بعدی آن مورد مطالعه قرار گیرد تا در چهارچوب هر دین به نظریات اساسی و حیاتی و مواضع آن دین درباره‌ی نظام طبیعت در پرتو آن عقاید برسیم.

کلیدواژه: نظم کیهانی، سنت‌های دینی، نظام طبیعت.

### مقدمه

امروزه شاهد بحران حاکم بر رابطه‌ی انسان و جهان طبیعت هستیم که منشأ آن از غرب و با ظهور تجدیدگرایی آغاز شده و حالت جهانی گرفته است. در بررسی‌های گسترده‌ای که انجام گرفته به نظر می‌رسد هرگونه تحقیق درباره‌ی مسئله‌ی رابطه‌ی میان دین و طبیعت که قصد پرداختن به مشکلات و مسائل حیاتی ناشی از بحران موجود در زیست محیطی را داشته باشد، باید پا را فراتر از مرزهای اعتقادی یک دین خاص بگذارد و از عالم ملک و ملکوت واحد بشریت قدم بیرون گذاشته و بر عوالم ملک و ملکوت متعددی که جامعه‌ی امروزی بشری را تشکیل می‌دهند پای نهد. به منظور شناخت رابطه‌ی میان دین و نظام طبیعت نه در محدوده‌ی یک دین خاص، بلکه در سطح جهانی ضروری است که معنا و مفهوم نظام طبیعت به عبارت دیگر عالم کائنات در چهارچوب ادیان مختلف از دیدگاه آنان شناخته شود و به ابعاد مابعد الطبیعی و الهی ادیان مورد نظر آنچنان که در جهان‌بینی سنتی آنان نهفته است، پرداخته شود. باید این حقیقت را شناخت که ادیان مختلف طی قرون و اعصار سرنوشت دنیا و آخرت پیروان خود را رقم زده و به این ترتیب مفاهیم طبیعت و نظام حاکم بر آن را تبیین کرده‌اند. در این مقاله سعی شده است با بینش دینی اهمیت نظام طبیعت از دیدگاه ادیان ابتدایی، ادیان باستانی و ادیان خاور دور و شرقی و ادیان توحیدی مورد بررسی قرار گیرد.

### نظم طبیعت در ادیان ابتدایی

در قاره‌ی آمریکا، آفریقا، جزایر پلی نزی، استرالیا، هند، نیوزلند و دیگر نقاط دنیا هنوز چند صد میلیون نفر از پیروان ادیان اولیه که از شاخه‌های ادیان آغازین و کهن بشری هستند زندگی می‌کنند. این ادیان حتی بعد از افولشان در قرون اخیر و به ویژه در نتیجه‌ی استعمار و تسلط اروپاییان بر بیشتر نقاط دنیا هنوز به حیات خود ادامه می‌دهند. با وجود تفاوت‌های بسیار در اسطوره‌ها و شعائر، تا آنجا که به رابطه‌ی آن‌ها با طبیعت و عالم ملک مربوط می‌شود، این ادیان شباهت‌های ساختاری بسیاری باهم دارند. این ادیان هزاران هزار سال پاسداران محیط زیست طبیعی بوده و به پیام عالم کائنات گوش داده‌اند و اعتقاداتی درباره‌ی نظام طبیعت دارند که از نظر حفظ محیط زیست از اهمیت والایی برخوردارند. در حقیقت بحران شدید محیط زیست که در حال حاضر حیات بشر را تهدید می‌کند موجب شده تا بسیاری از مردم که اعتقادات اولیه‌ی اسلافشان را جاندار انگاری (آنی‌سیم) و بت‌پرستی می‌پنداشتند، مجدداً به بررسی آنچه این پاسداران زمین درباره‌ی نظام طبیعت ارائه داده‌اند بنشینند. در هر صورت نظر ادیان اولیه درباره‌ی نظام طبیعت یک حلقه رابطه‌ی مهم در بافت تفکر معاصر است که در آن عناصری از ادیان گوناگون به هم می‌پیوندند تا نظریه‌ای معنوی را در باره‌ی طبیعت احیا کنند بیش از آنکه ماده‌گرایی دیوانه و کورکورانه‌ی دنیای تجدیدزده، بافت زندگی را که خود موجب ظهور همین ماده‌گرایی شده در یک حرکت سریع در تاریخ بشر به نابودی کشد. (نصر، دین و نظام طبیعت، ص ۷۰)

### آیین شمنی و سنت‌های آمریکای شمالی

آیین شمنی دین باستانی آسیای مرکزی و شرقی و از خانواده‌ی دین کهن تبت یعنی دین پو است. و به دین ژاپن یعنی شینتوئیسیم به ادیان آمریکای شمالی و دیگر جریان‌های دینی مرتبط است. نظریه‌ای کهن درباره‌ی نظام طبیعت و رابطه‌ی انسان با عالم طبیعی دارد که در این اواخر توجه بسیاری را جلب کرده است. بنیاد اساسی جهان‌بینی شمنی بر پایه‌ی سه عالم علوی، میانه و سفلی یا آسمان، زمین و زیرزمین قرار دارد که با یک محور مرکزی که مغولان آن را «ستون طلایی» می‌نامیدند به هم مرتبط‌اند. این ستون در حکم همان کوه کیهانی است که در ادیان گوناگون به نام‌های مختلف از قبیل کوه مرو در میان هندوان، البرز در ایرانیان باستان و هیمینگ بورگ در میان اهالی باستانی آلمان معروف است. ستاره‌ی قطبی بر قله‌ی کوه کیهانی قرار گرفته است و انسان‌های روزگاران قدیم از طریق آن می‌توانستند به عوالم علوی صعود کنند. عمل خارق العاده‌ای که امروزه تنها از شمن برمی‌آید. این کوه قدسی با درخت کیهانی یعنی درختی که خود زنده و زندگی‌بخش است متکامل می‌شود. (اپلیاده، ۲۷۲) درختی که ستون زندگی است. شمن معتقد است که این هشیاری و حیات کیهانی است که بر کل طبیعت حاکم است و منبع عامل نظمی است که در طبیعت مشاهده می‌کنیم. (والش، ۱۱۴-۱۱۷) دنیای شمن دنیایی است که در آن قدرت قدسی خداوند در یک آن هم بر عالم طبیعت سلطه دارد و هم به دنیای بشری حاکم است. یک نظام واحد و دو جهان بشری و کیهانی را در یک وحدت دوگانه و جدایی‌ناپذیر به هم پیوند می‌دهد. شینتوئیسیم یکی از شاخه‌های مهم دین شمنی است که ابتدا نام خاصی نداشت اما در رویارویی با دین بودایی واژه‌ی شینتو که معنای لغوی آن طریقت کامی است مورد استفاده قرار گرفت تا از دین بودوسودو یعنی طریقت بودا متمایز شود. شینتوئیسیم براساس مفهوم کامی یعنی ارواحی که بر جهان طبیعت و نیز عالم روح حاکم‌اند و بیش از هر پدیده‌ی دیگر مسئول ایجاد نظم و هماهنگی در آفرینش‌اند قرار دارد. زیرا این ارواح خود نیروی ایجاد کننده‌ی هماهنگی و نظم هستند. شینتو همانند آیین شمنی عالم حقیقت را اینگونه شرح می‌دهد: عالم ملکوت اعلی که قلمرو خدایان است، دیگری عالم میانه یا برزخ که عالم انسانی است و محیط طبیعی اطراف شب را نیز در بردارد و بالاخره عالم سفلی یا تحتانی است که قلمرو مرگ است. بنابر تعالیم شینتوئیسیم تاریخ ژاپن در دوران نخست، یعنی در عالم ملکوت اعلا آغاز می‌شود. ویژگی‌های طبیعی جزایر ژاپن با تجلیات خدایان شینتو و کامی پیوند دارد که بر همه چیز حاکم است. علاوه بر این شینتوئیسیم بر اهمیت عرفانی زیبایی در طبیعت بسیار تأکید دارد و نظم و هماهنگی طبیعت را با زیبایی آن که در همه جا منعکس است یکی می‌انگارد. (توتل، ۹۷) یکی دانستن نظام طبیعت با زیبایی و پیوند نزدیک میان شعائر و احکام دینی و پدیده‌های طبیعی و ویژگی‌های دریا و خشکی از مهم‌ترین مشخصات شینتوئیسیم است.

### کیهان شناسی سرخ پوستان آمریکا

در بیشتر جنبه‌ها به آیین شمنی شباهت دارد. آن‌ها معتقدند که کل بخش‌های عالم همیشه زنده است و یک محور کیهانی که از تمام بخش می‌گذرد به یکدیگر متصل است. به عبارت دقیق‌تر عالم نظامی قانونمند دارد و روحی موسوم به مانیتو بر آن حاکم است. این مانیتوها ویژگی‌های انسانی و کیهانی دارند و هم به مثابه‌ی پلی میان مراتب مختلف کیهان عمل می‌کنند، به مراتب گوناگون حیات نظم می‌بخشند و انسان و طبیعت را با وحدت بنیادی و فراتر از دنیای کثرت به هم پیوند می‌دهند. (گریم، ۸۲-۸۳) سرخ‌پوستان معتقدند که پدیده‌های طبیعی ذات و جوهر قدسی دارند. ذاتی که نسبت به همه‌ی ترکیباتش متعالی است. از این روست که امتناع سرخ‌پوستان را در تفکیک نظام انسانی از نظام طبیعی به درستی «طبیعت‌گرایی معنوی» نامیده‌اند. (اسجون، ۳۰-۳۱) این «طبیعت‌گرایی معنوی» در عین حال باور دارد که همه‌ی پدیده‌ها در عالم طبیعی زنده‌اند و حیات دارند و روح اعظم به آنان نظم و هماهنگی داده است. روح اعظم به کل عالم کائنات نظم می‌بخشد و به دلیل متعالی بودنش خود را از طریق آسمان، زمین، نباتات و حیوانات

متجلی می‌سازد. به لحاظ نمادی کلیه‌ی تجلیات بی شمار روح اعظم چیزی جز خود آن نیست. اشیا و پدیده‌ها خود اسرار نیستند، بلکه تجلیات آنند و روح اعظم یا سر اعظم آن‌ها را در وحدت متعالی خود شکل می‌دهد. (همان، ۱۸-۱۹) نظام طبیعت به حقیقتی که متعالی از طبیعت و نیز حال در آن است حجاب می‌اندازد و در عین حال حجاب را از آن برمی‌گیرد. این نظام از نظامی که در درون انسان حاکم است جدایی‌پذیر نیست. بهر حال شناخت سرخ‌پوستان از مفهوم نظام طبیعت عاملی مهم و با ارزش در روند یافتن پاسخ دینی در سطح جهانی برای حل بحران شدیدی است که میان انسان و محیط زیست طبیعی به وجود آمده است.

### کیهان‌شناسی ادیان آفریقایی

این ادیان عمیقاً با عالم طبیعت پیوند دارند و در عین حال به روح اعظم و حقیقت متعالی خداوند که طبیعت خود تجلی اوست اعتقاد دارند و هنوز سنت‌های توحیدی خود را حفظ کرده‌اند. (آبیمبلا، ۱۸۹) در میان ادیان آفریقایی که تا به امروز تقریباً به صورت کامل و یکپارچه باقی مانده‌اند دین بامبارا یکی از برجسته‌ترین آنان است که تعالیم باطنی و عرفانی آن روشن‌گر وجود نوعی کیهان‌شناسی فطری است که از بسیاری جهات شبیه کیهان‌شناسی آیین شمینی است. (گرایولو، ۱۸۶) بنابراین تعالیم درخت عالم، عالم ملک و عالم ملکوت را به یکدیگر پیوند می‌دهد. در مراسم تشریف به دین بامبارا نام ۲۳۰ نماد را که از آن درخت آویخته‌اند می‌آموزند. (زومین سه، ۱۵۳) کیهان این دین نیز همچون کیهان ادیان ابراهیمی و هندو خود مخلوق کلمه‌الله است. در مورد دین بامبارا باید گفت که «قلب تعالیم عرفانی آن اسراری که عالم را احاطه کرده است تشکیل می‌شود. تمام کائنات مخلوق ارتعاشات آن قدرت ازلی است که کلمه‌الله را تشکیل می‌دهد. پیروان ادیان اولیه یا ادیان بومی که چند نمونه آن‌ها ذکر شد هزاران سال است که شاهدان و در عین حال نگهبانان عالم ملک و نظم هماهنگی آن بوده‌اند. ادیان آنان چه از نظر ذهنی و چه در صحنه‌ی عمل درس‌های بسیار گران‌بهای برای کسب شناخت از رابطه‌ی میان انسان و نظم طبیعت در بردارد و نظریات و عقاید آنان به اهمیت دینی نظام طبیعت مربوط می‌شود.

### ادیان مصر باستان

تمام سرزمین‌های مقدس بر روی این کره‌ی خاکی آیین‌های صورت مثالی خود در عالم بالا و بهشت‌اند. این امر به ویژه درباره‌ی مصر صدق می‌کند که خاستگاه یکی از معنوی‌ترین و بی‌تردید مقدس‌ترین سنت‌های قدسی دنیاست. در حقیقت در عصر باستان مشهور بود که می‌گفتند: «مصر از الگوی بهشت ساخته شده است». (سچوالر، ۱۶۹) دین مصری به عمیق‌ترین وجه به نظام زمان، مکان، و اشکال پرداخته و تأثیرات جاودانه‌ای بر سیر تفکر در بیشتر نقاط مدیترانه و از جمله بر عناصر بنیادی علوم و فلسفه‌ی یونان که از دین بین‌النهرین نیز متأثر شده گذاشته است. دین مصری فراتر از عمر تاریخی خود شاهی بر یک نظریه درباره‌ی نظام طبیعی است که در آن ساحت الهی و کیهانی باطناً و از طریق اصولی که به نظام انسانی نیز حاکم‌اند به هم پیوند دارند. در این سنت دینی هیچ‌گونه جدایی میان نظام الهی و کیهانی و یا میان نظام کیهانی و نظام انسانی وجود ندارد. دین مصری تمدن بسیار درخشانی براساس حضور مداوم نتر و در حیطه‌ی عالم بشری به وجود آورد و منجر به ظهور آثار هنری قدسی بسیاری گردید که اشکال و پدیده‌های طبیعی را نشان می‌دهند. آنچنان که گویی عقاید دینی خود را از طریق این آثار متجلی ساخته‌اند.

### ادیان خاور دور

بنیان ادیان چینی و شعبات آن‌ها در کره و ژاپن از ابتدا مستقیماً براساس توجه به طبیعت و نظام آن که در عین حال نظام بشری نیز هست قرار داشته است این ادیان بعضی از معتبرترین نظریات مربوط به نظام طبیعت را ارائه داده‌اند. در میان سنت‌های دینی چین تاؤو برجسته‌ترین مفاهیم و حقایق دینی را در بر دارد تاؤو هم حقیقت و هم راه وصول به حقیقت است، حقیقتی که بر همه‌ی پدیده‌ها حاکم است و به آنان قانونمندی می‌بخشد. در عین حال خود منشأ همه‌ی قانونمندی‌هاست. تاؤو یسم تصریح دارد که تعادل و نظم حاکم بر پدیده‌ها از خارج بر آنان تحمیل نمی‌شود، بلکه از طبیعت درونی و نقشی که در پرتو تاؤو دارند ناشی می‌شود. افزون بر این قانونمندی و نظم کیهانی بر وجود انسان نیز بر اهمیت «طبیعی بودن» موجودات به عنوان عاملی جهت اعاده‌ی zen حاکم است. تاؤو یسم مانند ذن بر نظامی که بر پدیده‌ها حاکم است تأکید دارد. نظام حاکم بر طبیعت به طور غیرقابل اجتنابی به نظام درون بشر پیوند دارد. حکمای دین تاؤو در کوهستان‌ها و جنگل‌ها به خلوت می‌نشینند تا به نیایش طبیعت بپردازند. در عین حال بر نظام درون خود نیز تأمل دارند و این گونه است که تاؤو را می‌شناسند و زندگیشان را بر اساس اصول آن بنا می‌کنند.

### آیین کنفوسیوس

با وجود این که آیین کنفوسیوس بر اهمیت هماهنگی انسان و جامعه با عالم ملک و ملکوت بسیار تأکید کرده است، در آیین کنفوسیوس، که مقارن عصر قرون وسطای اروپا به شکوفایی رسید می‌توان عمیق‌ترین تبلور آیین کنفوسیوس را درباره‌ی نظام طبیعت مشاهده کرد. در آیین نو کنفوسیوس مفاهیم

چی و لی از اهمیت بیشتری برخوردارند. «چی» نماد اثر (نیروی مادی)، یا «نیروی حیاتی» و «لی» نماد اصل قالب و نظام است. (جان، ۱۷) برادران چنگ که هر دو از فلاسفه‌ی قرن یازدهم بودند حتی بیش از تای - چی بر لی و چی به عنوان عناصر مهم تشکیل‌دهنده همه‌ی پدیده‌ها تأکید می‌کردند. لی به مثابه‌ی اصل طبیعت حاکم بر همه‌ی اشیاء و پدیده‌ها، نظم جهان شمول در روند پویای آفرینش و منبع تمام اصول دیگر آن نظم بود. لی نه تنها اصل جهان شمول وجود بلکه اصل وجودی هر پدیده‌ی خاص نیز تلقی می‌شد. به همین جهت است که آیین نو - کنفوسیوسی به مکتب طبیعت و حقیقت مشهور است. (همان، ۲۲) ادیان خاور دور نمونه‌هایی از عمیق‌ترین تفکرات بشری را درباره‌ی معنای نظام طبیعت و ارتباط آن با نظامی که بر انسان نیز حاکم است ارائه می‌دهند. این ادیان تفاسیر بسیار مهمی درباره‌ی مفهوم پیوند متقابل وحدت میان نظام بشری و نظام طبیعی و نیز رشته‌هایی که اصول حاکم بر انسان و بر طبیعت را به هم پیوند متقابل وحدت میان نظام بشری و نظام طبیعی و نیز رشته‌هایی که اصول حاکم بر انسان، بر طبیعت را به هم پیوند می‌دهد در بردارند، وحدتی که نفی آن منشأ کلیه‌ی انحرافات و لجام گیسختگی است.

### ادیان هندو ایرانی و ادیان اروپایی

اقوامی که در سرزمین‌های دوردست هند و شمال اروپا مستقر شده به آریایی‌ها شهرت یافتند و نامشان را به کشورهای چین، ایران، ایرلند بخشیدند. نه تنها قرابت زبانی بسیار مهم با هم دارند بلکه در طول قرون و اعصار از ادیانی پیروی کرده‌اند که از یک خانواده‌اند و به همین جهت بسیار به هم شباهت دارند. این ادیان ایرانی مانند میترائیسم، زرتشتی و مانوی با ادیان یونانی و رومی، و بالاخره ادیان ژرمن‌های باستان و اقوام سلت را نیز در برمی‌گیرد. بیشتر این ادیان از میان رفته و ناپدید شده‌اند و در میان آنان فقط ادیان هندو، بودایی و زرتشتی هنوز به عنوان ادیان زنده به حیات خود ادامه می‌دهند.

#### دین هندو

در این آیین وداها نه تنها منبع شناخت طبیعت‌اند بلکه بنا بر اعتقاد دین هندو منشأ خود کیهان نیز هستند. زیرا ودا همچون کلمه‌الله ابدی است و اعتقاد بر این است که کل عالم و از جمله قدرت خداوند از آن سرچشمه می‌گیرد. (گوند، ۷) ویک ودا از پوروشا یعنی از موجود فطری کیهانی و صورت مثالی انسان ملکوتی نام می‌برد. (۶۲-۹۱) و فداکاری او را علت آفرینش عالم می‌داند. پوروشا هم منشأ عالم طبیعی و نظام آن و هم منشأ نظام جامعه است. و این دو از یکدیگر تفکیک ناپذیرند. (کنون، ۴۶) نظام حاکم بر طبیعت از حقیقت پوروشا مشتق می‌شود، زیرا هر پدیده‌ای در طبیعت از لحاظ جسمی به منشأ الهی خود پیوند دارد. تعالیم دین هندو کیهان را با پیکر الهی یکی می‌داند و نظام طبیعت را تجلی مستقیم نظام الهی تلقی می‌کند. در واقع در مانداکا اوپانیشاد چنین آمده است: «همچنانکه یک عنکبوت تار خود را می‌تند، همان گونه که گیاهان خوش بو در زمین می‌رویند، و بر سر و پیکر انسان زنده می‌روید، به همین ترتیب نیز از سوی خداوند لایزال عالم کائنات خلق می‌شود». (راویندرا، ۴۸)

#### آیین بودایی

بنابراعتقادات بوداییان بودا تنها کسی بود که پدیده‌ها را فی‌نفسه و آنچنان که هست شناخته بود. وی از معدود کسانی است که می‌دانست حقیقت دارما طبیعت پدیده‌ها را تشکیل می‌دهد و دارما هم دیناست و هم نظم عالم کائنات یا «قانون طبیعی» که عالم مادی یا سامسارا براساس آن عمل می‌کند. (سلس چفت، ۳۸۳، ۴۲۰) مکاتب متأخرتر از دین بودا به ویژه مکاتبی در ژاپن ظاهر شدند و تحولات گسترده‌ای در نظریات مربوط به شناخت طبیعت به وجود آوردند. در اوایل دوران گسترش دین بودا در ژاپن می‌توان توجه خاص این دین را در ادراک تقدس طبیعت که در شینتوئیسم هم بسیار به آن تأکید شده مشاهده کرد. نخستین کسی که تعالیم دین بودا را به ژاپن آورد بودای غایی را به مفهوم بودا-طبیعت که همچون نوری در درون همه‌ی پدیده‌ها می‌درخشد تعبیر می‌کرد. (شاتر، ۱۶۷) در چهارچوب سرزمین ژاپن دین بودایی در واقع تارک دنیا نبود بلکه خود را درعالم طبیعت متجلی می‌کرد. بسیاری از حکمای ژاپنی از نقش نجات‌بخش طبیعت به تفضیل سخن گفته‌اند. (لافلور، ۱۸۳-۲۰۸) در دین بودا مانند ادیان دیگر با وجود شرایط بسیار متفاوت از دین هندو و ادیان ابراهیمی و نیز به علت انکار منشأ دارما به مثابه‌ی آغاز گران، نکته‌ی دیگری که باقی می‌ماند تأکید بر وجود یک نظام طبیعی است که اهمیت دینی دارد، از نظام اخلاقی جدایی ناپذیر است، بر حیات بشر حاکم است و به طرز انکارناپذیری با آن عجین شده است. دارماهای جهان طبیعت و ابنای بشر حقایق مجرد از هم بیگانه نیستند، بلکه بخشی از همان ادراک معنای دارما هستند که در یک آن هم حقیقت، هم اصل و هم شریعت است و اطاعت از آن‌ها رعایت آن‌ها و زیستن بر اساس آن‌ها وظیفه و فریضه است.

#### رابطه‌ی دین با نظم طبیعت در دین زرتشت

با توجه به اینکه دین زرتشتی هنوز پیروان معدودی در ایران و هند دارد با این حال نقش تاریخی این در زندگی کلی دینی و فلسفی آسیای غربی، مدیترانه بسیار قابل توجه است. این دین علاوه بر تأثیراتی که بر فلسفه‌ی یونانی و نیز بر ادیان ابراهیمی به جا گذاشته، در میان ادیان باطن‌گرای غرب نام

بنیان‌گذار آن با علوم کیهانی همراه بوده و رسالات علمی بسیاری به وی نسبت داده شده است. در هر صورت نظریه‌ی دین زرتشت درباره‌ی نظام طبیعت هم به خودی خود و هم به دلیل تأثیراتی که بر مکاتب بعدی فلسفی و دینی در دنیای اسلام و نیز غرب داشته از اهمیت فراوان برخوردار است. دین زرتشتی رابطه‌ای مستقیم با دنیای طبیعت و عناصر کیهان بر اساس نیایش برقرار کرده و این رابطه را نه تنها در اعتقادات این دین بلکه در شعائر آن نیز گنجانده است. زرتشت در کتاب مقدس درباره‌ی مراسم بیست و هشتمین روزه ماه چنین می‌فرماید: «ما این نیایش را به افتخار زمین که از فرشتگان است برگزار می‌کنیم». (کوربین، ۳) در این نگرش زمین به مثابه‌ی بخش از سلسله مراتب فرشتگان که در دین زرتشتی اهمیت محوری دارد تلقی می‌شود. مسئله این نیست که «زمین چیست؟» بلکه این است که «زمین کیست؟» هانری گربن اظهار داشته: «در اینجا باید پدیده‌ی زمین را به عنوان یک فرشته‌ی مجازی تلقی کرد». (کوربین، ۵) کیهان‌شناسی آیین مزدایی که پایه و بینش و ادراک آن را از نظام طبیعت تشکیل می‌دهد بر اساس تمایز وجودی بین دو اصل اورمذا (اهورامزدا) یعنی نور نامتناهی و اهریمن یعنی ژرفنای بی‌انتهای تاریکی قرار دارد. (نصر، ۸۳، ۱۰۲) از این روست که به دین ثنویت نیز نسبت داده شده است اما امروزه این تعبیر از سوی زرتشتیان قویاً رد می‌شود و پیروان این دین خود را عمیقاً موحد می‌دانند. بنابر جهان‌بینی دین زرتشت عالم کائنات از بالا و به وسیله‌ی هفت «وجود قدسی جاودان» یا امشاسپندان اداره می‌شود که عبارتند از اهورا مزدا و شش فرشته که در مجموع اعیان ثابت‌ی فطری هفتگانه تمام آفرینش را تشکیل می‌دهند. همچنانکه در یشت نهم در اوستا شرح داده شده نیروی آنان در همه‌ی پدیده‌ها جاری است و آنان را به فعالیت می‌اندازد. از این فرشتگان سه تن مؤنث و سه تن دیگر مذکرند و اهورامزدا طبیعت آنان را در وجود خود وحدت می‌بخشد. مهم‌ترین اعتقادات دین زرتشت نظریات مربوط به فرشتگانی است که بر همه‌ی موجودات طبیعی حاکم‌اند و به کلیه‌ی موجودات کیهان نظم می‌بخشند.

### ادیان ابراهیمی

ادیان توحیدی ابراهیمی، یعنی دین یهود، مسیحیت و اسلام به یک کیهان معنوی تعلق دارند و به خداوند منزّه و یکتا که تنها خالق جهان است بلکه حکمت و اراده‌ی او بر آن حاکم است اعتقاد دارند. با این حال مفهوم نظام طبیعت در این سه دین به هیچ وجه یکی نیست. اما از لحاظ تاریخی و هم از نظر نمود میان آنان تفاوت‌های مهم و نیز شباهت‌های قابل توجهی وجود دارد.

### رابطه‌ی دین در نظام طبیعت در یهود

عمیق‌ترین تعبیرات نظام طبیعت از دیدگاه یهود را باید در عرفان و کابالا یهود همچون سفر یضیرا جست‌وجو کرد که به طور منظم شرح داده شده است. بنابراین صریح کابالا، حقیقت الهی یعنی «این سوف» در مخالفت او نیز وجود دارد و به عنوان وسیله‌ای بر شناخت خداوند به شمار می‌رود. سفیروت‌های ده‌گانه اصول مستقیم کیهان هستند. آفرینش از درون وجود خداوند صورت می‌گیرد، نظریه‌ای عرفانی که هم در اسلام و هم در مسیحیت وجود دارد. عدم در آغاز آفرینش با هیچ بودن (آیین) یکی انگاشته می‌شود و این امر نخستین قدم در تجلی حقیقت الهی است. (مازور، ۲۶۰) خداوند از خود به خود بازمی‌گردد تا اجازه‌ی آفرینش عالم عطا فرماید. حیات الهی در آفرینش متجلی است و کل نظام آفرینش از این خلاقیتی که دائماً در حال دگرگونی و نو شدن است منشأ می‌گیرد. علاوه بر این تبلورات این خلاقیت الهی در سراسر کیهان متجلی است. در هر مرتبه از مراتب عالم مرکبه و فرشتگان که در عوالم ملکوت و در عالم عناصر چهارگانه پایین‌تر از سفیروت قرار دارد. آفرینش آیینی معکس‌کننده‌ی حرکت درونی حیات الهی است. (همان، ۲۲۳)

قوانین حاکم بر طبیعت از قوانین عالم مثال تفکیک‌ناپذیر است و عقل و اراده‌ی الهی بر همه‌ی ابنای بشر حاکم است. البته همه‌ی تعبیرات دین یهود در عمق بینش و تعبیراتی که حکمای پیرو قباله و حسیدی از این دین ارائه کرده‌اند متفق القول نیستند، بلکه بیش‌تر آنان مانند اکثریت مسلمانان و مسیحیان بر این اعتقاد که نظام طبیعت بر اساس اراده‌ی خالق آفریده شده و به طریق اولی به ماهیت اخلاقی قانونمندی‌هایی که بر جامعه بشری حاکم است بسنده کرده‌اند و به همین جهت در بعد ماهیت اخلاقی قوانین حاکم بر جامعه اتفاق نظر دارند. به طور کلی در جهان بینی سنتی دین یهود طبیعت، جزئی از حیات الهی است و وحدتی نظام طبیعت و نظام بشری و قوانین دینی و کیهانی را به هم پیوند می‌دهد.

### رابطه‌ی دین در نظام طبیعت در مسیحیت

از آنجایی که مسیحیت دین عمده‌ی غرب است، در طول قرون اعصار به طرز جدایی‌ناپذیری با بیشتر مکاتب فکری غرب در باره‌ی طبیعت پیوند داشته. در آیات آغازین انجیل یوحنا می‌خوانیم که: «در آغاز کلمه بود». این جمله خود به تعبیری عمیق‌ترین تعریف مسیحیت درباره‌ی نظام طبیعت است. باید به یاد داشت که در اینجا کلمه ارجحه‌ی واژه‌ی لوگوس است که در زبان یونانی به معنای تعادل و هماهنگی (هارمونی) نیز هست. در نتیجه می‌توان چنین گفت که «در آغاز کلمه بود» یعنی: نظم و هماهنگی بر نظام عالم حاکم است. اعتقاد دین مسیح درباره‌ی حلول کلام الهی همچنین متضمن حلول تعادل و نظم در کلیه‌ی اشیاء نیز هست، زیرا این کلام (لوگوس = هارمونی) بود که همه‌ی پدیده‌ها را خلق کرد. این نظریه در طول زمان توسط بسیاری از متفکران مسیحی و علمای دینی متمایل به عرفان دنبال شد، مسیحیان اولیه اعتقاد داشتند که ارواح شیاطین زمین را در اشغال خود داشته. اما این ارواح توسط حضرت مسیح مغلوب شدند و از آن پس دیگر در میان خدا و انسان واسطه نبودند. (رهنر، ۱۲۲-۱۴۸) و همچنین معتقد بودند که نوما

نفخه‌ی الهی / نفس الرحمن» است عالم کیهان را پر کرده است، همچنان که در انجیل آمده: «روح خداوند تمام عالم را پر کرده است». (سوره عقل: ۲۳-۲۲: ۷) این روح قدرت شکل دهنده و هماهنگ‌کننده‌ی همه‌ی اشیا است. به تعبیر قدیس آگوستین: همچنان که اراده‌ی خالق یک مجسمه‌ساز بر روی یک تکه چوب جاری می‌شود، یا آنچنان که روح معنوی در سراسر اعضا و جوارح بدن نفوذ می‌کند، روح قدسی نیز چنین است و با یک قدرت خلاقه و شکل‌دهنده بر شخصیت‌هایی چون سنت جروم که علاقه‌ای به مناجات‌ها عارفانه و ذوق‌آمیز نداشت از نفخه‌ی الهی که بر دنیا و روح حاکم است سخن گفته‌اند. (سنت ویکتوری، ۱۰۰) با وجود اعتقاد به عواقب هبوط (بیرون راندن انسان از بهشت)، قدیس آگوستین عمیقاً مجذوب اهمیت عالم طبیعت بود و به تفصیل به مفهوم نظام طبیعت پرداخت. وی معتقد بود که تمام عالم با همه‌ی تنوعات بی‌نهایتش مخلوق خداست. (سنت آگوستین، پلیکان، ۳۷) یکی دیگر از متن‌فدترین شخصیت‌های مذهب پروتستان سنت ماکسیموس معتقد بود که «خداوند مقولات نظم را در طبیعت ایجاد کرده و حاکی از آن است که خداوند فعالانه مراقب و ناظر مخلوقات خود است». (توبزگ، ۵) اصول خلقت در اشکال متمایز آن در خداوند وجود دارد. این اصول کلمات الله و در عین حال اراده و خواست او نیز هستند. کلام‌های موجودات مختلف در کلام الهی به هم می‌پیوندند و بیانگر عامل وحدت در آفرینش و هدف از آن داشتن رابطه‌ای پویا با خداوند است. قرن‌هاست که مسیحیان در مراسم دینی خود این دعا را تکرار می‌کنند: «ای خدای مقدس! ای خدای مقدس! ای خدای مقدس! خدایی که همه‌ی موجودات، بهشت و زمین از جلال و عظمت او آکنده است». مسیحیان کماکان به پیوند بهشت و زمین و عالم ملک و ملکوت و شکوه و جلال خداوند شهادت می‌دهند. (نصر، ۱۹۸۷)

### نظام طبیعت در اسلام

در این تحلیل معنای نظام طبیعت در ادیان گوناگون یا بحث درباره‌ی آخرین دین توحیدی ابراهیمی، یعنی اسلام خاتمه می‌یابد، با این همه در این تحقیق سعی شده است که علل و چگونگی تحول بینش نظام طبیعت و آثار فاجعه‌آمیز آن را بر رابطه‌ی انسان با محیط زیست طبیعی در جهان معاصر روشن سازد. دیدگاه اسلام درباره‌ی نظام طبیعت اهمیت بسیاری دارد. دلیل این امر آن که اسلام با میراث باستانی‌شناسی یونانی - اسکندرانی آشنایی داشت و خود نیز میراث علمی بسیار پربراری تدوین کرد که تا حد قابل توجهی بر سنت‌های علمی دنیای باستان به ویژه بر علوم طبیعی مبتنی بود. سنت‌هایی که خود نقش بسیار مهمی در روند سیر تاریخ علوم غربی ایفا کرد. اسلام چون دین یهود و مسیحیت وارث جهان‌بینی حضرت ابراهیم بود و در عین حال که به علوم طبیعی می‌پرداخت منکر ادارک دینی نظام طبیعت نبود. (نصر، ۱۶۱-۱۷۵) حتی امروزه نیز با وجود گسترش تجددگرایی غربی در دنیای اسلام در طول قرن گذشته و نظریات مختلف و متأخرتر از قبیل عقاید گوناگون «اصلاح‌طلبان دینی» و یا به اصطلاح بنیادگرایان که سعی دارند ثابت کنند نظریه‌ی اسلام درباره‌ی طبیعت با علوم جدید یکی است، اسلام شناخت طبیعت را از دیدگاه دینی رد نکرده است. (نصر، ۱۸) در هر صورت مراد ما در اینجا اسلام سنتی است که طی چهارده قرن معیار و ملاک بود و حتی امروزه نیز جهان‌بینی اکثریت عظیم مسلمانان را تشکیل می‌دهد. البته همانند دین یهود، مسیحیت، دین بودایی و ادیان دیگر، اسلام نیز مکاتب فکری متعدد فلسفی، کلامی، علمی و عرفانی دارد که هر یک جداگانه به مسئله‌ی طبیعت پرداخته‌اند. در بینش اسلامی این اعتقاد وجود دارد که نظام طبیعت به حکم حکمت خداوند از مثل اعلائی کل وجود در نظام الهی سرچشمه می‌گیرد، الگویی که به بیان قرآن به قلم و لوح محفوظ تعبیر شده است. (قلم ۶۸؛ ۱؛ سوره‌ی بروج، ۲۲) خداوند به وسیله‌ی قلم که مظهر اصل خلاق آفرینش و حقیقت کلیه‌ی اشیا است، بر روح لوح محفوظ که تا ابد نزد خود اوست آفرینش را نقش زد. در عین حال به برکت قدرت تکوین خداوند حقایق که بر روی «لوح محفوظ» نگاشته شده بود به عالم ادنی و به سطوح پایین‌تر وجود و در نهایت به عالم طبیعت نازل شد، بنابراین نظام طبیعت از نظامی که بر قلمرو الهی حاکم است منشأ دارد و منعکس‌کننده آن است. در قرآن نیز به این نظریه تأکید شده است. در قرآن آمده است که: هر چیزی بر اساس میزان و ملاکی خلق شده و به بیان دیگر «هر شیء نزد خداوند میزانی دارد». «و کل شیء و عنده بمقدار» (۸: ۱۳) باید به خاطر داشت که واژه‌ی مقدار در زبان عربی از قدرت ریشه می‌گیرد. یعنی خداوند قادر میزان و «مقدار» همه‌ی موجودات آفرینش را تعیین کرده است. علاوه بر این قرآن کریم که از نظر عرفانی و معنای باطنی عین ثابت آفرینش، و ساختار آن متناسب با عالم مُحدَث است نخستین بار در لیلَةُ القدر یعنی شبی که مظهر قدرت الهی است به پیامبر(ص) وحی شد. بنابراین همان قدرتی که جهان طبیعت و قرآن را آفرید، منشأ نظم و هماهنگی و تعادلی است که در کل آفرینش مشاهده می‌شود.

### نتیجه‌گیری :

در رابطه‌ی دین با نظام طبیعت، ادیان سنتی و توحیدی وجوه مشترکی دارند، و همگی متفق‌القولند که : ۱- حقیقت طبیعت اهمیتی فراتر از ظاهر آن دارد و طبیعت دارای ماهیتی قدیمی است. ۲- نظام طبیعت دارای هدف و معنایی است و این معنی اهمیت خاص معنوی و اخلاقی برای انبای بشر دارد. ۳- بشر و نظام در طبیعت نه تنها در یک زمان و مکان مشخص، بلکه حتی در آخرالزمان یعنی هنگام معاد چنان با هم پیوند دارند که سرنوشت‌شان به یکدیگر گره خورده است. ۴- قوانین بشری و قانونمندی‌های طبیعت نه تنها از هم جدا نیستند، بلکه عمیقاً به یکدیگر مربوطند. ۵- بالاخره زمین آموزگار

بشر است و انسان می‌تواند از نظام طبیعت نه تنها درس‌های بی‌شمار بلکه اصول اخلاقی، فکری و معنوی بسیار بیاموزد و حتی کیهان خود به انسان کمک می‌کند تا انسان بتواند به عالمی فراتر از کیهان قدم بگذارند.

## منابع

- Quran .
- Sokyo ono, sninto: The Kami way (Rutcand, vt. and to Kyo: chrless tuttle, 1962),p.97.
- Johm A.Grim, the shaman: Patterns of Siberian and ojb wqy Healing (Norman: university of oK lahoma press, 1983), chapter 4, pp. 82-83.
- Frithjof schuon, the feathered sur: plains Indians in Art and philosophy( Bloomington, Ind: world wisdom Books, 1990), pp. 30 -31
- Ibid, pp, 18-19.
- Wande Abimbola, “ yorubtraditional Religion”in yusuf Lbisen and petre D.Wilson (eds,) traditional Modes of contemplation and Action (Tehran: Imperial Academy of philosophy, p, 186.
- Marcel Griaule Irand Germaine Dierlen, Le Renardpale, Travauxet memoires, 72 (paris: Insitud, Ethnologie, 1965)
- Evan M, zvesse ,Ritual cosmos, the sanctification of life in African Religious (Columbus: Ohio university press, (1979), p, 153.
- R.A. Schwaller de lubicz, sacred science : the King of pharaonic theocracy, Trans. Ander and Goldian vanden Broeck (new york : Inner tradition Internaional, 1982), p.169.
- Chuang- Tzu, Trans. HerberTa. Gile (London: B. Quatch, 1926), xxII.
- Ro young- chan, the Korean Neo-canfucianism of yi yulgok (Albany: state university of new york press, 1989), pp.17ff. Ibid., p.22.
- Jan Gonda, chage and continuity in Indian Religion (London: Mouton, 1965), p.7.
- Rene Guenon, manand His Becoming According to the Vedanta, Trans. Richardc, Nicnolso (London: luzac, 1945),pp.46ff.
- Rani Ravindra and Priscilla Murray,”The indian view of Nature”, in Rani Rani Ravindra (ed) spirit and Nature (New york: paragon press, 1991), p.48.
- “Zur Geschichte der buddhistischen Dharma Theorie”. Inzeitsch rift der Deutschen morgenlandischen Gesellschaft, vol,92 (1938), pp,383-420.
- DavidE.shaner, “ the Japanese Experience of nature”, iny, Baird callicottand Rogert, Ames(eds.), Nature in Asian Traditions of thought: Essay in Environmental philosophy (Albany: state universityok New york press 1989). P, 167.
- William lafleur, “ saigyo and the Budist walue of Nature”, collocatt and Ames, Nature in Asian tradition, pp,183- 208.
- Henry corbin, Spiritual Bodyand celestial Earth: From Mazdeam Iran to shi,ite Iran, Trans, mancy pearson (Princeton, new yersey: Princeton university press, 1977),p,3.
- Seyyed Hossein Nasr, cosmologyin Pre- Islamic and Islamic Persia, (Tehtan: Tehran university press, 1971).
- Gershom G. scholem, major trends in Jewish Mysticism Newyork, 1977, p, 260.
- Hugo Rahner, “Earth spirit and Divine spirit”, in Joseph combell (ed),spirit and nature : papers from the Eranas Year book,trans. Ralph Manheim and R.F.C. Hull (Princeton, Newyersey: Princeton university press, Bollingen series xxx: 1, 1982), pp, 122-148.
- The liturgical poetry of Aolam of ST. victor. I ( London: Kegan paul, treneh ond co, 1881), p, 100.
- Jeraslav Pelikan, the Mystery of continuity: timeamd History, Memory and Eternity in the thought of ST. Auguyine (charlottesviute: university of Virginia prees, 1989), p,73.
- Lars Thunbrg, Microcosm and Mediator: the theological Amthrpology of maimos the confessor (Lund: C, W.K.Lund, 1965,pp,51.)
- Seyyed Hossein Nasr, Science and Civilization in Islam (Cambridge: Islamic Text Society, 1987).
- Islamic science, western science – common Heritage, Daverse Detinies, in seyed Hossein Nasr and kathrine o’Bien (eds,) In Quest of the sacred (Oakton,va: foundation for traditional stadies, 1994), pp, 161-175.
- Seyyed Hossein Nasr, traditional Islam in the modern world (London:KPI, 1989), pp.18ff.